

## سیستم تعاملی نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی ایران

### ■ حدیث اقبال ■

استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

### ■ علیرضا زرگر ■

استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۲

### چکیده

در یک نظام مردم‌سالاری دینی، نهادهای مختلفی برای تثبیت و تداوم آن ایجاد می‌شوند که نهاد اطلاعات نمونه‌ای از آنها است. هدف نوشتار حاضر، بررسی نحوه تعامل بین نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی در رفع تهدیدات نظام مردم‌سالاری دینی با استفاده از رویکرد سیستمی است. از این‌رو، این مقاله تلاشی است برای پاسخ مستدل به اینکه «آیا نهاد اطلاعات می‌تواند در راستای شناسایی و دفع تهدیدات و تقویت و تثبیت نظام مردم‌سالاری دینی مؤثر باشد؟» روش این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، اسنادی می‌باشد. علاوه بر این، اطلاعات مورد نیاز تحقیق به صورت کتابخانه‌ای از منابع معتبر جمع‌آوری شده و به صورت توصیفی - تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که چارچوب تحلیل عملکرد اطلاعاتی بر اساس مدل «چرخه اطلاعات» شامل شناسایی تهدیدها، طراحی و جهت‌دهی، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تولید، توزیع و پخش و ارزیابی مجدد تهدید می‌باشد. یک سیستم اطلاعاتی کارآمد باید در درون خود دارای اصول هدایت عملیات و توانایی سنجش اثر اقدامات خود باشد؛ انعکاس یک تعادل سرتاسری باشد؛ وسعت و نفوذ کافی داشته باشد و همچنین به‌طور کاملاً واضح موانع موجود بر سر راه حاکمیت مردم‌سالاری را شناسایی کرده باشد. اگر ورودی سیستم تعاملی بین نظام مردم‌سالاری دینی و اطلاعات، تهدیدات مربوط به مردم‌سالاری و حاکمیت دین باشد، خروجی آن تداوم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود به‌نحو مسالمت‌آمیز، چرخش قدرت، ثبات، تحقق روح قانون اساسی و تحقق قواعد اسلامی در همه سطوح و لایه‌ها است.

**کلید واژگان:** اطلاعات، نظام مردم‌سالاری دینی، تهدید، اسلامیت، جمهوریت.

مردم‌سالاری اسلامی الگویی از حکمرانی است که با مرجعیت دین، حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را به رسمیت می‌شناسد. در این نوع نظام، انواع نهادها برای ایجاد، تثبیت و تداوم نظام ایجاد شده‌اند که یکی از آنها نهاد اطلاعات است. در تبیین تعامل نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی باید گفت که نهاد اطلاعات به‌عنوان منبع صدور شناخت و آگاهی، جزئی از نظام مردم‌سالاری دینی است که هدف و مأموریت آن خدمت‌رسانی در راستای تثبیت و رشد این نظام است، لذا از این منظر اهمیت پیدا کرده و برای نظام سیاسی ضرورت دارد. اطلاعات، متغیری وابسته به نظام مردم‌سالاری دینی است. آغاز کار اطلاعاتی بر اساس نیازمندی‌های گردانندگان این نظام است. نظام سیاسی حاکم که منتخب مردم است، مسائل و پرسش‌هایی دارد که کسب آگاهی و اطلاعات در این خصوص برای مدیریت آنها نیازمند رجوع به چنین نهادی است. نهاد اطلاعات نیز با تقاضاهای وارده از نظام سیاسی کار خود را آغاز می‌نماید.

با وقوع انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظامی مردم‌سالار و دینی در ایران، مدلی نواز حکمرانی بر پایه حاکمیت مردمی - الهی مطرح شد که به‌دلیل ویژگی‌های ذاتی خود، از ابتداء معرض تهدیدات براندازانه بوده است. کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا، در سندی که با عنوان «استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱» در ماه سپتامبر سال ۱۹۹۹ میلادی و با عنوان دنیای آینده انتشار یافت، چنین پیش‌بینی کرده بود: «... همچنین ممکن است (حتی به احتمال زیاد) که در بیست و پنج سال آینده حکومت مذهبی ایران سقوط کند. در حال حاضر حکومت ایران جمهوری اسلامی است، اما نمی‌تواند به مدت طولانی هم جمهوری و هم اسلامی باقی بماند. ایران باید یا از جمهوری بودن دست بردارد و به حکومت قرون وسطایی تنزل یابد و یا اسلامی بودن را کنار بگذارد. نبرد برای آینده هم‌اینک شروع شده، اما نتیجه آن برای کسی روشن نیست» (دهمشگی و دیگران، ۱۳۸۰).

تاریخ کوتاه مردم‌سالاری دینی ایران از ابتدای شکل‌گیری خود، آکنده از تهدیدات است. انواع تحركات داخلی و خارجی براندازانه، کودتا، ترورهای گسترده شخصیت‌ها، جنگ با همسایگان، تلاش برای ایجاد بی‌ثباتی و انقلاب مخملی (انتخابات ۱۳۸۸)، جنگ فرهنگی و ایجاد شبهه در خصوص دموکراتیک و دینی بودن واقعی نظام حاکم، حمله به نهادهای متولی تحقق حاکمیت مردم و دین و... مثال‌هایی اندک از این تهدیدات مفصل است.

با طرح موضوع تهدید و مدیریت آن، نقش نهادهای کارآمدی که وظیفه صیانت از مختصات یک نظام سیاسی را دارند، اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. نظام مردم‌سالاری دینی ایران با وجود همه ویژگی‌های خاص خود، مانند همه نظام‌های دیگر چنین نهادهایی را در خود تعبیه نموده است. یکی از مهم‌ترین این نهادها، اطلاعات است که عملکردی پنهان در راستای تولید شناخت و اقدام مقتضی در مورد تهدیدات موجود را دارد و طبیعتاً هدف آن کمک به سیاست‌گذاری صحیح و انجام اقدامات در همین خصوص است. در راستای کارآمدی نظام اطلاعات و حراست از نظام مردم‌سالاری دینی، این سؤالات مطرح می‌شود که در وهله اول، کدام تهدیدات می‌توانند بنیادهای وجودی این نظام را با مشکل مواجه سازد و در وهله دوم، نهاد اطلاعات چگونه می‌تواند در تعامل با نظام سیاسی در رفع تهدیدات، یاری رساند؟ در پاسخ به سؤال فوق این فرضیه کلی قابل بیان است که تعاملی بر مبنای نیاز نظام مردم‌سالاری دینی و پاسخگویی نظام اطلاعاتی می‌تواند صورت گیرد که نهاد اطلاعات به‌عنوان متغیری وابسته به نظام مردم‌سالاری دینی ایران، منبع صدور شناخت، آگاهی و خدمت‌رسانی در راستای پیشگیری و رفع تهدیدات جمهوری و اسلامیت باهدف تثبیت و تقویت این نظام باشد.

در جستجوی پیشینه موضوع این تحقیق مشاهده شد که در مورد موضوع مردم‌سالاری دینی کتب و مقالات متعددی تاکنون نگاشته شده است و در مورد کارکرد و جایگاه سازمان اطلاعات نیز کتبی درون‌سازمانی و مقالاتی در بیرون از این سازمان وجود دارد؛ لیکن به‌جز یک مورد، پژوهشی که به بحث در خصوص نهاد اطلاعات و مردم‌سالاری دینی پرداخته شده باشد، ملاحظه نشد. میرمحمدی و محمدی‌لرد (۱۳۹۳) در مقاله «نقش سازمان‌های اطلاعاتی در مردم‌سالاری دینی» با تمرکز بر نقش اطلاعات در مردم‌سالاری دینی به‌عنوان یکی از اشکال دولت مدرن، اقدام به واکاوی جایگاه اطلاعات در این نوع نظام سیاسی کرده است. نویسندگان مدعی‌اند که اطلاعات در نظام‌های مردم‌سالار دینی ابزاری در خدمت تشخیص مصلحت و تثبیت رویه‌ها، قواعد و ارزش‌های نظام مردم‌سالار هستند. از سوی دیگر، اعتقاد دارند که کارکرد و نقش سازمان‌های اطلاعاتی در نظام‌های مردم‌سالار دینی و غیردینی تفاوتی با یکدیگر ندارد. البته، از نظر آنان محدودیت‌ها و رویه‌های نظارت بر اطلاعات در مردم‌سالاری‌های دینی بیشتر از مردم‌سالاری‌های غیردینی است. نوشتار حاضر با در نظر گرفتن پرسش‌های مطرح‌شده، در پی واکاوی تهدیدات وجودی و نحوه تعامل نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی است. در این راستا، پس از ارائه جستاری مفهومی،

با استفاده از سیستم تعاملی و چرخه اطلاعات به طرح مباحث پرداخته می‌شود. درنهایت نیز جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مباحث ارائه می‌شود.

## مفهوم شناسی پژوهش مردم‌سالاری دینی

منظور از واژه سالار<sup>۱</sup>، «حکومت»، «حاکمیت» و «نفوذ» می‌باشد و «مردم‌سالاری» «تعبیر مورد استفاده» در مقابل «یکه‌سالاری» و «اندک‌سالاری» است. منظور از یکه‌سالاری، انواع حکمرانی‌های مبتنی بر دیکتاتوری و فارغ از حضور مردم می‌باشد. «اندک‌سالاری» نیز در یک تعریف کلی الگوی حکومتی است که به وسیله چند نفر محدود اداره می‌شود و تمامی قدرت حکومت متمرکز در تعداد خیلی از افراد بدون دخالت غیر می‌باشد و یا؛ فرمانروایی گروهی اندک بر دولت بدون نظارت اکثریت است. در اندک‌سالاری اقلیتی حاکم قدرت دولت را در راه سود خود به کار می‌برد و اکثریت ناراضی را سرکوب می‌کند و در آن گروه حاکم، تنها به منافع خودشان می‌اندیشند و منافع عموم افراد جامعه را نادیده می‌گیرند. بنابراین، در اندک‌سالاری «حاکمیت مردم» منتفی است، «تأمین منافع مردم» در اولویت نمی‌باشد، مردم حق «دخالت و تعیین سرنوشت سیاسی» را ندارند و «نظارتی» بر عملکرد حاکمان وجود ندارد (اقبال، ۱۳۹۳: ۳۶).

مردم‌سالاری‌ها وضعیت برابری سیاسی ایجاد می‌کنند، درحالی‌که اندک‌سالاری‌ها ترجیحات زیربخش‌های بسیاری کوچکی از جامعه را نمایندگی می‌کنند، درنتیجه به وضعیت نابرابری سیاسی شبیه‌تر هستند. در مردم‌سالاری‌ها هر کس حق رأی دارد و دست‌کم این امکان بالقوه هست تا هر کس به‌نحوی در فرایند مشارکت سیاسی مشارکت کند. در غیر دموکراسی، فرادستان، دولت نظامی حاکم، یک اقلیت ممتاز و یا در مواردی خاص، فقط یک فرد؛ یعنی دیکتاتور، تصمیمات را اتخاذ می‌کند (عجم‌اغلو و رایبسون، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰).

واژه «مردم‌سالاری»، به‌گونه‌ای «بومی بودن» این الگوی خاص از حکومت مردم در جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. مفهوم مردم‌سالاری با برداشتی که از دموکراسی در نظام‌های غربی وجود دارد، دارای تفاوت‌هایی می‌باشد. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، در این باره می‌فرماید: «ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی‌هایی که در غرب هست، مشابه باشد، اما آن دموکراسی که

<sup>۱</sup> Governing body

ما می‌خواهیم به وجود بیاوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل‌تر از دموکراسی غرب است و ویژگی‌های خود را دارد» (امام خمینی، ۲۱۶). «اسلام یک دین مترقی و دموکراسی به‌معنای واقعی است و آن رژیمی که ما می‌خواهیم تأسیس کنیم، یک همچون رژیمی است و با این رژیم‌هایی که الان هستند، تفاوت دارد. احکام اسلامی احکامی است که بسیار مترقی است و متضمن آزادی‌ها و استقلال و ترقیات و همهٔ انحاء دموکراسی است. محتوای اسلام همهٔ آن معانی است که در عالم به خیال خودشان دموکراسی می‌گویند. اسلام همهٔ این واقعیات را دارد و ملت ما هم برای همهٔ این واقعیات جنگیده‌اند» (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۱۷).

رکن دیگر نظام مردم‌سالاری دینی، «دین» می‌باشد؛ واضح است که مراد از دین، دین اسلام می‌باشد. دین، منبع اعتباربخشی به مؤلفه‌های موجود در نظام مردم‌سالاری دینی است. از این جایگاه به‌عنوان «مرجعیت» نام برده می‌شود، مرجعیتی که برای توجیه، تحلیل و تبیین حدود مردم‌سالاری به رسمیت شناخته می‌شود (امیراحمدی، ۱۳۸۸: ۲۴). دین، منبع قانونگذاری، اجرا و قضا در کل نظام اجتماعی مردم‌سالاری دینی می‌باشد. تبیین تناسب حاکمیت هم‌زمان دین و مردم را می‌توان در «اصل ۵۶» قانون اساسی جمهوری اسلامی با عنوان حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن مشاهده نمود: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروه خاصی قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرقتی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند».

بنابراین می‌توان گفت مردم‌سالاری دینی ایران الگویی است که در مخالفت با «یکه‌سالاری» و «اندک‌سالاری»، «مشارکت و حاکمیت مردم» را با «مرجعیت دین» به رسمیت می‌شناسد. این الگوی بومی، پاسخی به «ضرورت» نظام‌سازی بر پایهٔ دین و مسئلهٔ «دموکراسی‌خواهی» در یک کشور «مسلمان» بوده است (اقبال، ۱۳۹۳: ۳۹).

## اطلاعات

تاکنون تعاریف بسیار زیادی از اطلاعات ارائه شده است<sup>۱</sup>. در ابتدا باید اشاره کرد که در مورد

<sup>۱</sup>مراجعه شود به آدرس اینترنتی: [http://intellit.muskingum.edu/whatis\\_folder/whatisin-telintro.html](http://intellit.muskingum.edu/whatis_folder/whatisin-telintro.html)

کلمه «اطلاعات»<sup>۱</sup> برداشت‌های اشتباهی نیز وجود دارد. لغت اطلاعات معانی متفاوتی نزد افراد متفاوت دارد. شایع‌ترین اشتباه موجود، مترادف دانستن اطلاعات با «اخبار»<sup>۲</sup> است که در این صورت دو عبارت «جمع-آوری اطلاعات»<sup>۳</sup> و «جمع‌آوری اخبار»<sup>۴</sup> نیز به‌طور اشتباه به‌جای هم به‌کار می‌روند. علی‌رغم تعاریف بسیاری که تاکنون از اطلاعات اعلام شده است، ساده‌ترین و روشن‌ترین تعریف آن عبارت است از «اخبار به‌علاوه تجزیه‌وتحلیل اطلاعات». فرمول ذکرشده تفاوت بین اطلاعات جمع‌آوری‌شده و اطلاعات تولیدشده را روشن می‌سازد. این موضوع اشاره دارد که هیچ اطلاعاتی بدون تجزیه‌وتحلیل وجود ندارد. «اطلاعات صرفاً جمع‌آوری‌شده نیست بلکه آن چیزی است که بعد از جمع‌آوری، تجزیه‌وتحلیل و ارزیابی داده‌ها، تولید می‌شود» (Peterson, 2005: 11).

اطلاعات عموماً نشان‌دهنده سه چیز است: ۱. یک «دانش»<sup>۵</sup> خاص؛ ۲. نوعی «سازمان»<sup>۶</sup> که این دانش را تولید می‌کند و ۳. «فعالیتی»<sup>۷</sup> که از این سازمان پیگیری و انجام می‌شود (Sherman, 1965). از منظری ظریف‌تر، اطلاعات، گامی در زنجیرهٔ خلق ارزش است که با داده‌هایی خام آغاز می‌شود و منجر به دانش اطلاعات و پس‌از آن تبدیل به «بصیرت» و «حکمت» می‌شود.

هدف اطلاعات آگاهی دادن به دولت است؛ یعنی «گفتن حقیقت به قدرت»، اطلاعات در این راستا خدمت‌گذاری می‌کند و تابع سیاست‌گذاری است، وجود اطلاعات برای: ۱. جلوگیری از غافلگیری استراتژیک؛ ۲. ارائه تخصص بلندمدت؛ ۳. حمایت از روند سیاست و ۴. حفظ محرمانه بودن اطلاعات، نیازها، منابع و روش‌ها است. «اطلاعات تا حدودی یک متخصص حکومتی درزمینهٔ رویه‌های خاص جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل و بهره‌برداری از داده‌ها است» (Herman, 2001: 7-9). اگر از اطلاعات در خط مقدم دفاع به‌درستی استفاده شود، می‌تواند به توانایی یک مردم‌سالاری در حراست از بنیادهای وجودی، بهبود شرایط دولت و ملت خود و حکمرانی خوب یاری رساند و بر عملکرد کارآمد و مؤثر خود بیفزاید. نزد رهبران مردم‌سالار مسئول، اطلاعات یک کمک عمده و یاری‌رسان درزمینهٔ عمل به تعهدات مردم‌سالارانه خواهد بود تا مردم مطمئن باشند که تهدیدات مربوط به حاکمیت

<sup>1</sup> Intelligence

<sup>2</sup> Information

<sup>3</sup> Collecting Intelligence

<sup>4</sup> Collecting Information

<sup>5</sup> Knowledge

<sup>6</sup> Organization

<sup>7</sup> Activity

آنها بر سرنوشت سیاسی- اجتماعی شان در زمان مناسب کشف خواهد شد (Lustgarten, 1994). اطلاعات به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای موجود در نظام‌های مردم‌سالار در راستای اهداف همه نظام‌های مردم‌سالار؛ یعنی تحقق و تثبیت شاخص‌های مردم‌سالاری عمل می‌کند و یک نهاد اطلاعات کارآمد در یک نظام مردم‌سالار فقط در این صورت کارآمدی خواهد داشت.

### چیستی تهدید

«تهدید در لغت به‌معنای بیم دادن، ترساندن و عقوبت دادن است. فرهنگ معین تهدید را ترسانیدن و بیم دادن معنی کرده است» (مرادیان، ۱۳۸۸: ۱۶۷). این اصطلاح اشاره دارد به «ارتباط جایگزینی ناخواسته و غیرتوافقی یک فرد یا گروه به‌جای فرد یا گروهی که اقتدار را در دست دارد» (Gunter, 1992: 210). مطابق دیکشنری وبستر «تهدید» به‌معنای قصد صدمه زدن، نابود کردن، مجازات کردن در اقدامی تلافی‌جویانه، ارعایی و غیره است (Webster dictionary, 2004). دیکشنری لانگمن، تهدید را به‌عنوان، ۱. احتمال وقوع اتفاق بد مانند حمله و ۲. کسی یا چیزی که به‌عنوان خطر در نظر گرفته می‌شود، می‌داند و دیکشنری آکسفورد تهدید را ۱. نیت تحمیل آسیب یا اقدامات خصمانه علیه کسی؛ ۲. شخص یا چیزی که در معرض خطر و آسیب است و ۳. امکان مشکل یا خطر (Longman Dictionary, 2009) تعریف می‌کند.

از دیدگاه اطلاعاتی، یک تهدید عبارت است از نیرو و یا فعالیتی که علیه منافع یک ملت فرض شده است. از منظر سیاسی یک تهدید، معارض با حاکمیت مستقر، قانون اساسی و قوانین حکمرانی و ثبات سیاسی موجود است. از دیدگاه نظامی نیز، یک تهدید همواره در پیکره نیروی نظامی کشور دیگر تصویر می‌شود. تهدید، همچنین یک مفهوم عملیاتی امنیت ارتباطات است که به‌معنی قابلیت و استعداد تکنیکی و یا عملیاتی یک حریف متخاصم است که به‌سوی حصارهای حفاظتی- اطلاعاتی کشور دیگر نشانه رفته است.

پیدایش یک تهدید عموماً معلول علل متنوعی است. گوناگونی علل و عوامل پدیدآورنده «تهدیدات»، مدیریت آنان را با مشکل مواجه کرده است. به دیگر سخن، در تحدید و تدبیر هر تهدید، گونه‌شناسی آن، مقدمه‌ای بس لازم و غیرقابل اجتناب است. این مهم نیز حاصل نمی‌گردد مگر در پرتو شناخت مبتنی بر «اطلاعات» پیشینی و پسینی متغیرها و مقتضیات محیطی و یا مناسبات بینامحیطی (بیناسطحی) که بسترساز بروز و ظهور نوع خاصی از تهدید شده‌اند. از این

منظر می‌توان هم به اعتبار علل و عوامل تهدید (داخلی، خارجی)، هم به اعتبار سطوح مختلفی که تهدید در آنان حادث می‌شود (اعم از سطوحی که ناظر بر مؤلفه‌های گوناگون قدرت در یک جامعه باشند و یا به لایه‌های مختلف اجتماعی نظیر نخبگان، جامعه مدنی و توده مردم رجوع دهند) و هم به اعتبار اهدافی که مورد حمله یک تهدید واقع می‌شوند و نیز با برجسته کردن فناوری‌ها و استراتژی‌های قدرت و ضدقدرت جاری و ساری در بستر هر تهدید و نتایج حاصله از هر یک، به یک گونه‌شناسی کارا و مشخصی در این عرصه دست یازید (تاجیک، ۱۳۸۱: ۱۹۲-۱۹۳).

تهدیدات به اعتبار موضوع به انواع تهدیدات سیاسی (داخلی و خارجی)، تهدیدات نظامی، تهدیدات اقتصادی و تهدیدات فرهنگی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. منابع تهدید نیز در سه حوزه تهدیدات داخلی، تهدیدات خارجی و تهدیدات بین‌المللی قابل‌شناسایی هستند. تهدیدات داخلی بیشتر به موضوعات داخل کشور، تهدیدات خارجی بر رفتار تجاوزکارانه و مداخله‌گرانه دیگر کشورها و تهدیدات فراملی به رفتار بازیگران بین‌المللی (نظیر شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های جنایتکار و تروریست‌ها) اشاره دارند. (Buzan, 1998) در این پژوهش با تأکید بر مردم‌سالار و دینی بودن نظام ایران، تهدیدات سیاسی داخلی که مرتبط با جمهوریت و اسلامیت این سیستم هستند، اولویت خواهند داشت که در ادامه به تبیین این تهدیدات پرداخته خواهد شد.

### مختصات مردم‌سالاری دینی؛ (جمهوریت و اسلامیت)

مردم‌سالاری دینی آن‌گونه که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، دارای دو رکن اساسی است؛ یعنی دین و مردم. اساساً طرح سالار بودن مردم در ایران موضوعی نو است. اگر بتوان دوران مشروطه را آغاز طرح ناقص و سطحی این مفهوم در تاریخ فکر و اندیشه سیاسی ایران دانست، بی‌شک به‌عنوان یک «مسئله» و کمتر به‌عنوان یک «ضرورت»، در این دوران مورد توجه قرار گرفته و یا طرح شده است. با این وجود، مشروطه آغازگر طرح مردم‌سالاری به‌عنوان یک مسئله در بین اندیشمندان دینی و سیاسی بوده است.

تلاش‌های دین برای پاسخگویی به ضرورت مردم‌سالاری در قالب دو نظریه «مشروطه اسلامی» و «مردم‌سالاری دینی» تاکنون آشکار شده است که نظریه نخست، مردم‌سالاری را در سطح «قانونگذاری» و دومی در حوزه «نظام‌سازی، قانونگذاری و تصمیم‌گیری» در نظر می‌گیرد. واقعه مشروطه در ایران عقب‌ماندگی نظم سیاسی در ایران و ضرورت اصلاح در این نظم سیاسی



را آشکار ساخت و برای اولین بار ضرورت مردمسالاری را مطرح نمود. این حادثه سیاسی مهم ابتدا مردمسالاری را به‌عنوان یک «مسئله نظری» و سپس به‌عنوان یک مسئله «عملی» در جامعه ایران آشکار ساخت. در جریان مشروطیت، «محقق نائینی» معروف‌ترین کسی است که درصدد اثبات سازگاری مشروطیت با دین برآمد (میراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). نائینی با تفکیک قانون شرعی از قانون عرفی، تأکید بر مفهوم شورا در شریعت و اصل عقلایی رجحان اکثریت بر اقلیت در راستای تخفیف استبداد (نائینی، ۱۳۷۸)، سازگاری دین و مؤلفه‌های مردمسالاری را اثبات نمود.

تلاش‌های نائینی مردمسالاری را در سطح قانون‌گذاری مورد توجه قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، این تلاش مردمسالاری را به سطح خاصی تنزل می‌دهد و از این جهت برداشتی تقلیل‌گرایانه از مردمسالاری ارائه می‌کند. تقلیل‌گرایانه بودن آن از این‌رو است که به سطح دیگر آن؛ یعنی نظام‌سازی توجه نمی‌کند (میراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). مقصود از نظام‌سازی، فرایندی است که در آن مردم به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نظام سیاسی را تأسیس و حاکم را انتخاب می‌کنند. نظریه امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) درخصوص مردمسالاری هم به قانونگذاری نظر دارد و هم به نظام‌سازی. مردمسالاری دینی ابتدا از زبان امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) با طرح جمهور اسلامی برای گذار از سلطنت و سلطنت مشروطه مطرح می‌شود. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«من مخالف اصل سلطنت و رژیم شاهنشاهی ایران هستم، به‌دلیل اینکه اساساً سلطنت نوع حکومتی است که متکی به آراء ملت نیست... فرق بین جمهوری اسلامی و شاهنشاهی این است که جمهوری اسلامی از مردم است و جمهوری اسلامی رهین همین مردم عادی کشور است...» (امام خمینی، ج ۵: ۱۷۳)؛

«اینجا آراء ملت حکومت می‌کند، اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ‌یک از ما جایز نیست و امکان ندارد» (امام خمینی، ج ۱۴: ۱۶۵)؛

«اما جمهوری به همان معنایی است که همه‌جا جمهوری است، لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی متکی است که قانون اسلام باشد. اینکه ما جمهوری اسلامی می‌گوییم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می‌شود، آنها بر اسلام متکی است. لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که همه‌جا هست». در دیدگاه امام (رحمت‌الله‌علیه)، «جمهوریت» به‌معنای «متکی بودن بر آرای عمومی» و «اسلامیت» «مبتنی

بودن بر قانون الهی» است. بر این اساس، در مدت‌زمانی کوتاه، نظامی شکل گرفت که درصدد تعبیه یکجای دین و مردم به‌عنوان مؤلفه‌های کلیدی نظام‌سازی بود و این امر از طریق ایجاد نهاد میسر شد (امام خمینی، ج ۴: ۴۷۹).

از منظری متأخرتر، بیان نظریه مردم‌سالاری دینی از سوی «امام خامنه‌ای» (مدظله‌العالی)، رهبر کنونی جمهوری اسلامی و مباحثی که پیرامون آن مطرح شد، باب دیگری را گشود و شاهد تألیفات و همایش‌ها و مناظراتی در همین خصوص بوده‌ایم.

«جمهوری اسلامی»، نام و عنوان نظام سیاسی ایران است که نوع و مدل نظام حکمرانی آن، مردم‌سالاری دینی است. مختصات و عناصر تشکیل‌دهنده و پایه‌ای در این نوع نظام، «اسلامیت» و «جمهوریت» می‌باشد. هرگاه یکی از این دو ستون که نگه‌دارنده این نظام است، تهدید شود و در نتیجه عدم مدیریت تهدید، ضعیف گردد، موجودیت و تداوم نظام با مشکل مواجه شده است. زاویه دید این پژوهش به تعامل بین «اطلاعات و مردم‌سالاری دینی ایران»، از همین منظر است. از این رو و با در نظر گرفتن این زاویه دید، مدیریت اطلاعاتی تهدیدات مردم‌سالاری دینی ایران الزاماً باید متوجه شاخص‌های اسلامیت و جمهوریت این نظام باشد. در حالت کلی، تعامل بین اطلاعات و یک نظام مردم‌سالار دینی در دو سطح، نیازمندی اطلاعاتی دارد:

۱. نیاز به حفاظت از عناصر ضروری جمهوریت که از ابتدای انقلاب اسلامی شکل گرفته است

در برابر تلاش برای محو یا واژگونی آن؛

۲. حراست از وجوه اساسی اسلامیت و دین‌داری.

مدیریت اطلاعاتی باید در چارچوب این دو سطح مذکور، هم مؤثر و کارآمد باشد و هم در درون یک ساختار دموکراتیک و دینی عمل کند. «اطلاعات» به‌عنوان یک «نهاد»، درون «نظام مردم‌سالاری دینی ایران»، در راستای صیانت از مختصات پایه‌ای این نظام؛ یعنی اسلامیت و جمهوریت، عمل می‌کند.

### تبیین تعامل اطلاعات و مردم‌سالاری دینی

در تبیین تعامل نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی باید گفت که نهاد اطلاعات به‌عنوان «منبع صدور شناخت و آگاهی»، جزئی از نظام مردم‌سالاری دینی است که هدف و مأموریت آن خدمت‌رسانی در راستای تثبیت و رشد این نظام است. اطلاعات متغیری وابسته به نظام

مردم‌سالاری دینی است. آغاز کار اطلاعاتی بر اساس نیازمندی‌های گردانندگان این نظام است. نظام سیاسی حاکم که منتخب مردم است، مسائل و پرسش‌هایی دارد که کسب آگاهی و اطلاعات در این خصوص برای مدیریت آنها نیازمند رجوع به چنین نهادی است. نهاد اطلاعات نیز با تقاضاهای وارده از نظام سیاسی کار خود را آغاز می‌نماید.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش اجراء، اسنادی است و اطلاعات موردنیاز به‌صورت کتابخانه‌ای از کتب، پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی و منابع اینترنتی معتبر جمع‌آوری شده و سپس به‌صورت توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

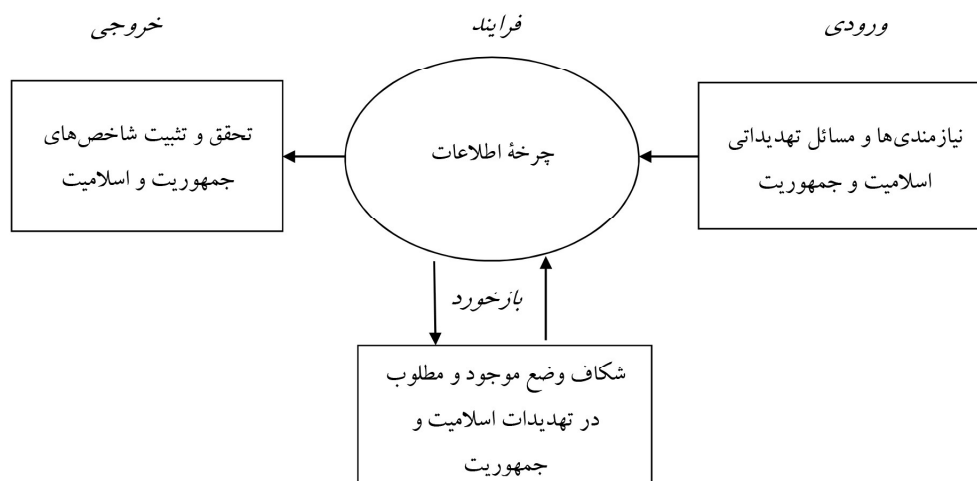
## یافته‌ها: سیستمی تعاملی اطلاعات و مردم‌سالاری دینی

نظریه «سیستم‌ها»، نظریه‌ای جامع و کل‌نگر است. از نظر «برتالنی» - مؤسس این تئوری - سیستم عبارت است از تعدادی عنصر که با یکدیگر ارتباط‌هایی دارند. با تکیه بر این تعریف، سیستم موجودیتی است متشکل از عناصری مرتبط و متعامل که این ارتباط و تعامل، نوعی کلیت و تمامیت به آن می‌بخشد (فرشاد، ۱۳۶۲: ۴۳). تعاملات سازمان و محیط قسمتی از فعالیت‌های سیستم سازمان است. هر سیستم متشکل از حلقه‌های بازخوران و به‌صورت کل‌هایی درون کل‌های دیگر با آنها در تعامل است. «گریگوری بتیسون»، «ماچرانا» و «وارلا» معتقدند که سیستم‌ها دربردارنده تمامی زمینه‌های کلی روابط بوده و در روابط تعاملی هم تأثیرگذار بوده و هم تأثیرپذیر هستند. از این رو، نمی‌توان سیستم سازمان را به‌عنوان بخشی از اجزای کل جدا کرد و سپس آن را شناخت، لذا تعامل سیستم با محیط بیانگر تعاملات درون سیستم است. بر این اساس، «اوهنو» پیشنهاد می‌کند که سیستم «عرضه‌کنندگان» و «مشتریان» به‌صورت یک سیستم یکپارچه و تعاملی در نظر گرفته شود (Ohno, 1998). در این صورت، تعامل، مشارکت و هماهنگی باید به ماورای مرزهای متعارف سازمان کشیده شود و به زنجیره ارزش ذی‌نفعان سازمان برسد. در یک سیستم تعاملی پیشرفته، ذی‌نفعان می‌بایست بیاموزند که چگونه می‌توانند در فضای مشارکت و حمایت متقابل، توانمندی خود را در خدمت ارزش‌آفرینی مشترک، در راستای هدفی مشترک قرار دهند (Hesselbein, 1997: 9). مدل‌های مهمی که بیانگر عوامل سیستمی هستند عبارت‌اند از: مدل‌های «ورودی»،

«فرایند»، «خروج» و «بازخورد» و همچنین، مهم‌ترین عناصر سیستم تعاملی نیز «مشتریان» و «عرضه‌کنندگان» هستند. ورودی سیستم تعاملی، تقاضاها، نیازها و پرسش‌ها هستند. فرایند نیز حرکتی گام‌به‌گام و مرحله‌ای در راستای تولید است. در فرایند، ورودی‌ها به خروجی تبدیل می‌شوند. نتیجه عملیات و گام‌های طی شده در فرایند در قالب بازده و فراورده به محیط ارسال می‌شود. بازخورد نیز برآیند تزریق اطلاعات تولید شده می‌باشد و در اختیار مشتری قرار داده شده است. بازخورد وسیله ایجاد نظم، تناسب، تعادل و هدفمندی در سیستم است (کیا، ۱۳۶۳: ۳۴). «کارکرد اصلی سیستم بازخورد، کمک به شکل‌گیری تنش خلاق<sup>۱</sup> است» (Fritz, 1989: 211) «تنش خلاق شامل سه جزء «وضعیت مطلوب»، «وضعیت موجود» و «شکاف» است. آگاهی از وضع مطلوب و وضع موجود و پیرو آن آگاهی از شکاف بین وضع موجود و وضع مطلوب باعث ایجاد تنش خلاق می‌شود» (صادقی مال امیری، ۱۳۸۶).

در این چارچوب می‌توان سیستم تعاملی مردم‌سالاری دینی ایران و نهاد اطلاعات را ترسیم نمود. داده‌ها و ورودی این سیستم، نیازمندی‌ها، پرسش‌ها و مسائل تهدیداتی جمهوری و اسلامیت است که از مجاری مانند سیاست‌گذاران، مردم و دیگر نهادهای اجتماعی وارد نهاد اطلاعات می‌شوند. فرایند، مکانیسم تبدیل ورودی به خروجی و گام‌هایی است که در نهاد اطلاعات برای تولید آگاهی، شناخت و اقدام در راستای پیشگیری و پاسخگویی در مقابل تهدیدات برداشته می‌شوند. این فرایند، «چرخه اطلاعاتی» نام دارد که کارکرد و پروسه اطلاعاتی را نشان می‌دهد و در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. خروجی‌ها، نتایج گام‌های تولید اطلاعاتی در نهاد اطلاعات هستند که یا در اختیار مشتریان؛ یعنی سیاست‌گذاران قرار می‌گیرند و یا در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی توسط مردم و نهادها مشاهده می‌شوند. نوع ارتباط نهاد اطلاعاتی با سیاست‌گذاران، مردم و نهادهای اجتماعی متفاوت است که در این پژوهش مجال بحث آن نیست، فقط به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که ارتباط الزاماً مستقیم و مشاهده‌شدنی وجود ندارد. بازخورد نیز نمایانگر شکاف بین وضعیت موجود؛ یعنی واقعیات و تهدیدات جمهوری و اسلامیت و وضعیت مطلوب؛ یعنی رفع تهدیدات این دو است.

<sup>۱</sup> Creative Tension



شکل شماره ۱: سیستم تعاملی نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی

### ورودی سیستم تعاملی

آغاز کار اطلاعاتی بر اساس نیازمندی‌های گردانندگان نظام مردم‌سالاری دینی، دغدغه‌های امنیتی مردم و نهادهای موجود در جامعه است. نظام سیاسی حاکم که منتخب مردم است، مسائل و پرسش‌هایی دارد که کسب آگاهی و اطلاعات برای مدیریت آنها نیازمند رجوع به چنین نهادی است. نهاد اطلاعات نیز با تقاضاهای وارده از نظام سیاسی و دغدغه‌های امنیتی مردم و نهادهای جامعه کار خود را آغاز می‌نماید. تهدیدهای ورودی جمهوری و اسلامیت به ترتیب عبارت‌اند از:

#### جمهوریت:

۱. نقض قانون اساسی؛
۲. عدم مشارکت مردم و گروه‌های سیاسی در روند تحولات و تعیین سرنوشت سیاسی خود (کاهش مشارکت)؛
۳. نقض آزادی و حقوق شهروندی؛
۴. براندازی، شورش و تبلیغات علیه ارکان نظام مردم‌سالاری دینی؛
۵. ایجاد اختلال در روند چرخش مسالمت‌آمیز قدرت؛
۶. ایجاد شکاف میان مردم و حاکمیت سیاسی؛

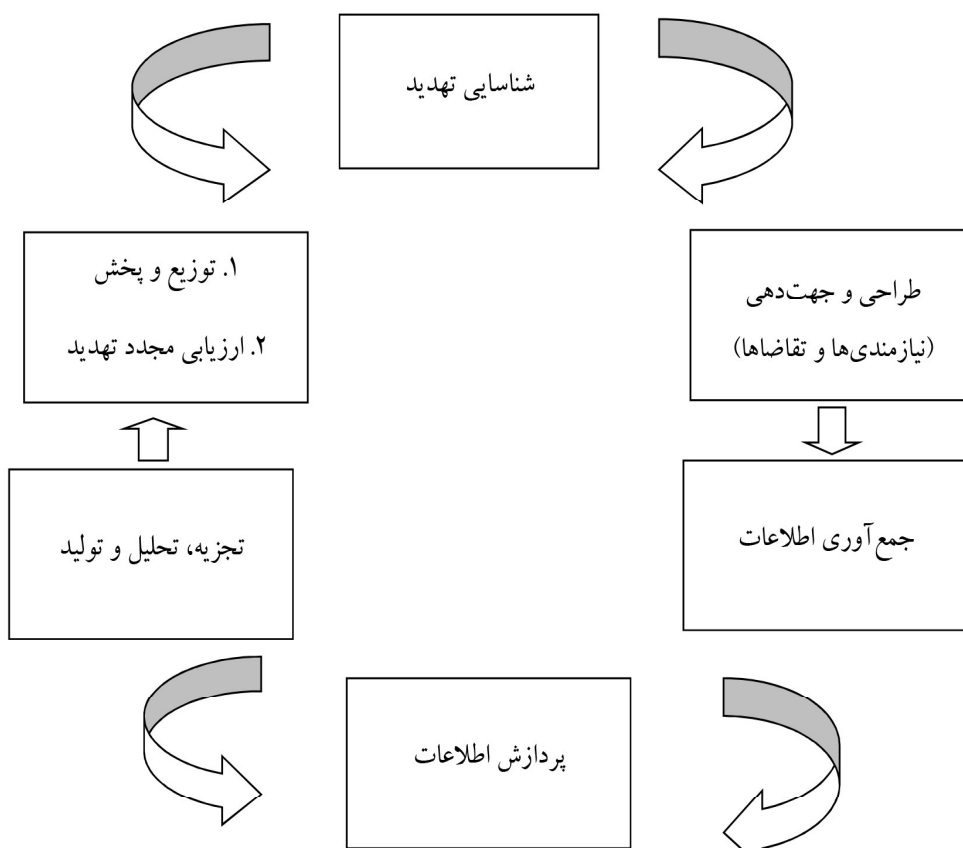
۷. مخدوش ساختن مبانی مشروعیت، مقبولیت، انسجام و ظرفیت سیاسی؛
۸. فعالیت گروه‌های معارض و مخالف با ارکان نظام مردم‌سالاری دینی ایران؛
۹. گسترش بی‌تفاوتی سیاسی و ایجاد بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه؛
۱۰. اختلاف و تفرقه‌افکنی؛
۱۱. شکاف میان نسل جدید و نظام سیاسی؛
۱۲. سیاست‌گذاری بر مبنای صرف نفوذ گروه‌های فشار؛
۱۳. ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و برهم زدن نظم سیاسی با منشأ داخلی و خارجی.

### اسلامیت:

۱. نقض قانون اساسی؛
۲. دین‌گریزی و عرفی شدن فضای سیاسی و فرهنگی جامعه؛
۳. تضعیف جایگاه و نقش ولایت‌فقیه؛
۴. گسترش سکولاریسم و بی‌دینی؛
۵. رواج الگوهای مخرب غیراسلامی و بیگانه به‌جای الگوهای ملی و اسلامی؛
۶. رواج سبک زندگی غربی و غیراسلامی؛
۷. گسترش ابتذال و شبهات دینی؛
۸. تضعیف دین‌داری نسل جدید.

### فرایند سیستم تعاملی

اشاره شد که فرایند، مکانیسم تبدیل ورودی به خروجی و گام‌هایی است که در نهاد اطلاعات برای تولید آگاهی، شناخت و اقدام در راستای پیشگیری و پاسخگویی در مقابل تهدیدات برداشته می‌شوند. این فرایند همان «چرخه اطلاعات تهدید» است.



شکل شماره ۲: چرخه اطلاعات تهدید

### ۱. شناسایی تهدیدها<sup>۱</sup>

گام اول این چرخه، شناسایی تهدیدهای بالقوه است. قبل از اینکه سرویس اطلاعاتی در مورد یک تهدید به تحقیق بپردازد باید یک درک روشن از اینکه این تهدید شامل و دربردارنده چه چیزی است وجود داشته باشد، بدین ترتیب یک تحقیق مؤثر خواهد بود (Hesselbein, Goldsmith & Bakhard, 2015).

### ۲. طراحی و جهت‌دهی<sup>۲</sup>

در این مرحله، دستور کار اطلاعات بر اساس تقاضاها و نیازمندی‌های سیاست‌گذاران مشخص می‌شود. مسائلی که سیاست‌گذاران برای مدیریت آنها نیاز به اطلاعات معتبر دارند، همان دستور کار اطلاعات است. برنامه‌ریزی و جهت‌دهی شامل مدیریت همه تلاش‌های اطلاعاتی است، از شناسایی نیاز به اطلاعات که از ارزیابی تهدید خاصی برآمده تا فهرست

<sup>1</sup> Identifying Threats

<sup>2</sup> Planning and Direction

به‌روزشده استراتژی‌ها و موضوعات حل‌نشده، تشخیص اینکه چه گروهی در داخل و یا خارج بر فعالیت‌های اطلاعاتی نظارت دارد و همچنین تحویل اطلاعات تولیدشده به مشتری. کل این فرآیند بر اساس موضوعات و نیازمندی‌های خاص مشتریان سازمان اطلاعاتی؛ یعنی رئیس‌جمهور، شورای امنیت ملی، وزرا و سایر سازمان‌های دولتی است. در برخی موارد نیز نیازمندی‌ها به‌صورت نهادهای مشخص می‌باشند. شناسایی نیازمندی‌ها به‌معنی تعریف آن دسته از مسائل سیاسی و یا حوزه‌هایی است که انتظار می‌رود اطلاعات در آن مشارکت و کمک نماید و همچنین تصمیم‌گیری در مورد این است که کدام‌یک از این مسائل بر مسائل دیگر اولویت دارد. به‌صورت کلی، می‌توان از این مرحله به‌عنوان تعیین «مجموعه خاصی از انواع اطلاعات» نام برد. درواقع، قابلیت‌های اطلاعاتی محدود هستند، به‌طوری‌که اولویت‌ها باید تنظیم شوند، برخی موضوعات و شرایط توجه کمتری می‌خواهند و برخی نیز بیشتری. یک سیستم اطلاعات کارآمد باید دقیقاً به‌طور برنامه‌ریزی شده و متمرکز، روش‌های هماهنگ و مانع از روش‌های غلط جمع‌آوری اطلاعات باشد، زیرا تلاش‌های غیردقیق اطلاعاتی منجر به نتایج ناقص می‌شوند. برنامه‌ریزی و جمع‌آوری اطلاعات یک تلاش مشترک است که نیازمند ارتباط نزدیک کاری میان تحلیل‌گرانی است که می‌دانند چطور تحلیل اطلاعات را مدیریت کنند و همچنین میان مأمورانی که می‌دانند از چه شیوه‌های صحیحی اطلاعات را به دست آورند (Peterson, 2005: 13). بنابراین، مرحله اول؛ یعنی برنامه‌ریزی و سمت‌دهی، همان تصمیم‌گیری در مورد این است که چه چیزی باید بررسی شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد که تعیین نیازهای اطلاعاتی، پیشبرد معماری اطلاعاتی مناسب، آماده‌سازی یک طرح جمع‌آوری و صدور سفارش‌ها و درخواست‌ها به سازمان جمع‌آوری اطلاعات را دربرمی‌گیرد.

### ۳. جمع‌آوری اطلاعات

مرحله بعد، جمع‌آوری اطلاعات خام است که از منابع متعدد بر اساس نیاز خاصی که وجود دارد، صورت می‌گیرد. این فرآیند منابع آشکار، منابع پنهان، اینترنت، اشخاص، اخبار عمومی، فعالیت‌هایی از قبیل مصاحبه، نظارت فیزیکی و فنی، عملیات منابع انسانی، روابط و غیره را دربرمی‌گیرد (Chismon & Ruks, 2015: 12). جمع‌آوری، ستون سنگی اطلاعات است؛ کسب اطلاعات درباره اشخاص، حوادث و فعالیت‌هایی که دولت به آن نیاز دارد، اما از طرق دیپلماتیک به آن دست نمی‌یابد. بدون جمع‌آوری



اطلاعات، کار سازمان اطلاعاتی چیزی جز حدسیات نخواهد بود. در همین راستا، ضداطلاعات یک تلاش ملی در راستای جلوگیری از نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی خارجی و گروه‌های سیاسی در نهادهای دولتی، صفوف نیروهای مسلح و گروه‌های مردمی به‌منظور جاسوسی، براندازی و خرابکاری در داخل و خارج از کشور است (Lowenthal, 2003: 54-68). بنابراین، سازمان‌های اطلاعاتی، جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در دو حوزه خارجی (اطلاعات خارجی) و داخلی (ضداطلاعات) را به عهده دارند.

#### ۴. پردازش<sup>۱</sup>

مرحله پردازش شامل تبدیل داده‌های خام جمع‌آوری شده به‌صورتی است که بتوان آنها را در فرایند تحلیل مورد استفاده قرار داد. حجم وسیعی از داده‌ها، رمزگشایی، تلخیص و طبقه‌بندی می‌شوند. این مرحله حالت الگ و تصفیه را دارد و در آن اطلاعات اضافی، بی‌فایده، بی‌ربط و نادرست حذف می‌شوند و اطلاعات نظمی منطقی می‌یابند و کار برای تشخیص روابط موجود بین آنها و اکتشافشان راحت‌تر می‌شود. امروزه بررسی‌ها از طریق پایگاه داده‌های پیچیده و با تکنیک‌های متن‌کاوی صورت می‌گیرد. طراحی پایگاه داده برای ارزیابی و مقایسه داده‌ها اهمیت حیاتی دارد. همچنین در این مرحله، اعتبار اطلاعات و منابع آنها نیز مدنظر قرار می‌گیرد (Godfrey, 1971: 53).

#### ۵. تجزیه و تحلیل و تولید<sup>۲</sup>

تجزیه و تحلیل و تولید اطلاعات، شامل ادغام، ارزیابی و تحلیل تمام داده‌های موجود و آماده‌سازی محصولات اطلاعاتی می‌باشد. اطلاعاتی که از همه منابع جمع‌آوری شده‌اند، در این مرحله به اطلاعات آماده برای ارائه تبدیل می‌شوند. اطلاعات خام جمع‌آوری شده، اغلب ناقص و متناقض هستند و از این رو نیازمند متخصصانی هستند که به آنها معنا و مفهوم دهند. بنابراین، تجزیه و تحلیل خوب بستگی به گردهمایی برترین مغزها و باهوش‌ترین انسان‌ها دارد تا به بررسی اطلاعات پردازند (Chimson, 2015: 19). فرایند تلفیق و ارزیابی همه اطلاعات خامی که از همه منابع جمع‌آوری شده‌اند، برای ارائه به‌صورت گزارش، هشدار، برآورد و جلسات ارزیابی صورت می‌گیرد.

<sup>1</sup> Processing

<sup>2</sup> Analysis and Production

## ۶. توزیع و پخش<sup>۱</sup>

این مرحله، عرضه اطلاعات به مصرف‌کنندگان اطلاعاتی است که همان سیاست‌گذاران هستند. این مرحله مملو از فرصت و خطر است. اطلاعات عرضه‌شده باید داری ۵ ویژگی باشند، یعنی؛ ارتباط، به‌موقع بودن، دقت، وسعت و خلوص (بدین معنی که نادرست و گمراه‌کننده نباشند). سیاست‌گذاران بر اساس اطلاعاتی که این پنج ویژگی را داشته باشند، می‌توانند تهدیدات را مدیریت نمایند. این گام البته نوعی بازخورد را نیز باید دربرگیرد. تصمیمات، اقدامات و بازخورد ممکن است نیاز به اطلاعات بیشتری داشته باشند و تحریک چرخه‌های دیگر را شامل شوند. بازخورد، ارتباط بین کارگزاران اطلاعات و سیاست‌گذاران را به‌صورت فعالی حفظ می‌نماید (Hulnich, 1986: 212-223; Hass, 2002: 1-13).

## ۷. ارزیابی مجدد تهدید<sup>۲</sup>

در یک سازوکار اطلاعاتی کارآمد همه مراحل تحقیق، ارزیابی دوباره می‌شوند. بررسی مجدد ممکن است تهدیدهای جدید یا جوانبی از تهدید که مورد غفلت واقع شده‌اند را آشکار سازد و یا ممکن است نشان دهد که تهدیدی که پیش‌ازین وجود داشته، اکنون از بین رفته است (Bakhard, et.al., 2015).

## خروجی

خروجی سیستم تعامل بین نهاد اطلاعات و نظام مردم‌سالاری دینی، تحقق شاخص‌های اسلامیت و جمهوریت است. تأمین امنیت وجودی این نظام با تثبیت و تقویت شاخص‌های اسلامیت و جمهوریت محقق می‌شود که در ذیل آمده‌اند.

### شاخص‌های جمهوریت:

۱. عمل در چارچوب قانون اساسی برای همگان؛
۲. مشارکت گسترده عمومی، برگزاری انتخابات ادواری؛
۳. جابجایی و گردش مسالمت‌آمیز قدرت؛
۴. صیانت از حقوق و آزادی‌های شهروندان؛
۵. برابری همگانی، رقابت آزادانه؛

<sup>1</sup> Dissemination

<sup>2</sup> Reassessing Threats

۶. رضایت جامعه، مشروعیت دولت؛

۷. اصل مشارکت عمومی؛

۸. ثبات سازمانی، اقتدار نهادها و دستگاه‌های حاکمیت.

### شاخص‌های اسلامیت:

۱. عمل بر اساس قانون اساسی؛

۲. لزوم جریان و اجرای قواعد اسلامی در همه سطوح موجود؛

۳. صیانت از دین‌داری، حاکمیت الهی و نظام اعتقادی اسلامی؛

۴. صیانت از نظام ولایت‌فقیه؛

۵. حفظ و اعتلای ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی.

### بازخورد

در این فرایند همواره می‌توان کل مراحل طی شده برای مقابله با تهدیدات اسلامیت و جمهوریت را ارزیابی کلی نمود. مطابق رویکرد تنش خلاق که به آن اشاره شد، میزان شکاف بین وضعیت موجود تهدیدات و وضعیت مطلوب که همان تحقق شاخص‌ها است، بازخورد این نظام را نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

امنیت یک نظام سیاسی به ثبات سازمان‌ها، دولت‌ها، نظام‌های حکمرانی و نظریه‌های مشروعیت‌بخش آن بازمی‌گردد و تهدیدهای وجودی آن برحسب اصل سازنده و اساسی این بخش؛ یعنی حاکمیت و گاهی نیز ایدئولوژی دولت تعریف می‌شود. نظریه حکمرانی ایران مردم‌سالاری دینی است که بر پایه حاکمیت الهی و مردم شکل گرفته است. این نظام از ابتدای شکل‌گیری خود از لحاظ ویژگی‌های الهام‌بخش و انقلابی‌اش و همچنین اندیشه‌هایش که مخالف وضع موجود جهانی می‌باشد، آماج حملات و تهدیدات بوده است. حکمرانان، سیاست‌گذاران، مردم و نهادها برای زیست امن نیازمند سازوکاری منظم و قوی در نهادی کارآمد هستند. نیازهای تأمین امنیت به‌صورت ورودی در سازمان اطلاعات پردازش می‌شود. این پردازش شامل شناسایی تهدیدها، طراحی و جهت‌دهی، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات و توزیع و پخش و ارزیابی

مجدد تهدیدات است. احصاء دقیق ورودی‌ها به درون سیستم و استفاده صحیح از بازخورد، نقشی اساسی در تدبیر یک نظام و خروجی‌های مثبت آن ایفا می‌کند. بازخورد، جهت اصلاح کار سیستم بر مبنای نیازها و مقتضیات محیطی به کار می‌رود و فاصله‌ها را تا وضع مطلوب و یا تحقق وضع مطلوب تأمین امنیت در نظام را نشان می‌دهد.

یک سیستم اطلاعاتی کارآمد باید در درون خود دارای اصول هدایت عملیات و توانایی سنجش اثر اقدامات خود باشد؛ انعکاس یک تعادل سراسری باشد؛ وسعت و نفوذ کافی داشته باشد و همچنین به‌طور کاملاً واضح، موانع موجود بر سر راه حاکمیت مردم‌سالاری را شناسایی کرده باشد. اگر ورودی سیستم تعامل بین نظام مردم‌سالاری دینی و اطلاعات تهدیدات مربوط به مردم‌سالاری و حاکمیت دین باشد، خروجی آن تداوم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود به‌نحو مسالمت‌آمیز، چرخش قدرت، ثبات، تحقق روح قانون اساسی و تحقق قواعد اسلامی در همه سطوح و لایه‌ها است.

## منابع و مأخذ الف) کتب فارسی

۱. امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، روح‌الله (۱۳۷۴)، «صحیفه نور»، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. اقبال، حدیث (۱۳۹۳)، «ظرفیت‌ها و چالش‌های الگوی مردم‌سالاری دینی با نگاه به بیداری اسلامی»، پایان‌نامه دوره دکتری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی (ره).
۳. بوزان، باری؛ ویور، الی؛ دوویدل، پاپ (۱۳۸۶)، «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱)، «مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج.ا.ا، رهیافت‌ها و راهبردها»، انتشارات مرکز بررسی‌های استراتژیک.
۵. دفت، ریچارد ال (۱۳۷۴)، «تئوری سازمان و طراحی ساختار»، ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی، جلد دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۶. دهمشگی، جلال و دیگران (۱۳۸۰)، «کمیسیون امنیت ملی آمریکا؛ استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱»، تهران: موسسه ابرار معاصر تهران.
۷. صادقی مال امیری، منصور (۱۳۸۶)، «خلافت رویکردی سیستمی؛ فرد، گروه، سازمان»، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام).
۸. عجم‌اغلو، دارون؛ رایبسون، جیمز (۱۳۹۳)، «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟»، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعمتی پور، تهران: نشر روزنه.
۹. فرشاد، مهدی (۱۳۶۲)، «نگرش سیستمی»، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۰. میراحمدی، منصور (۱۳۸۸)، «نظریه مردم‌سالاری دینی»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. میراحمدی، منصور (۱۳۸۶)، «نظریه انتقادی نو»، نظم دموکراتیک مشورتی، پژوهشنامه علوم سیاسی. ش اول.
۱۲. نائینی، محمدحسین (۱۳۷۸)، «تنبیه الامه و تنزیه المله با توضیحات سید محمود طالقانی»، چاپ نهم، تهران.

1. Buzan, Barry, Waever, Ole & Wilde, Jeep de (1998). *"A New Framework for Analysis (Boulder London: Lynne Rienner)"*, Standard Work on the Debate on Reconceptualizing of security in the 1990 from a Constructivist Perspective of International Theory.

2. Caparini, Marina (2002). *"Challenges of control and oversight of intelligence services in a liberal democracy"*, Paper presented at the Workshop on Democratic and Parliamentary Oversight of Intelligence Services, organized by the Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces (DCAF).

3. Chimson, David & Martyn, Ruks (2015). *"Threat Intelligence: Collecting, Analyzing, Evaluating, Center for the Protection of National Infrastructure"*.

4. Fritz, R (1989). *"The Path of Least resistance: Learning to become the creative Force in Your Life"*, New York: Fawcett Columbine, Ballentine Book.

5. Godfrey, E. Drexel & Don R. Harris (1971). *"Basic Elements of Intelligence"*, Washington, DC: U.S. Department of Justice, Office of Criminal Justice Assistance, Law Enforcement Assistance Administration.

6. Godson, Ray, Ernest, R. May & Schmitt, Gary (1998), *"US Intelligence at the crossroads"*, Washington & London: Brassey's.

7. Gunter, Hanse (2010), *"Concepts of Security Threats, Challenges, Vulnerabilities and Risks"*, available at: [www. Springer.com/987-3-11-2-3](http://www.Springer.com/987-3-11-2-3)

8. Haass, Richard N. (2002). *"Policymakers and the Intelligence Community: Support US Foreign Policy in the Post-9/11 World"*, Studies in Intelligence, Vol. 46, no. 3; pp. 1-13.

9. Herman, Michael (2001). *"Intelligence Services in the Information Age"*, London & Portland, OR: Frank, Cass Publishers.

10. Hesselbein F., Goldsmith, M & Bakhard, R (1997). *"The Organization Of The future"*, The Drucker Foundation, Intelligence cycle at: <http://www.nzsis.govt.nz/our-work/our-methods>.

11. Hulnick, Arthur S. May (1986). *"The Intelligence Producer"*, Policy Consumer Linkage: A Theoretical Approach. Intelligence and National Security Journal, Vol. 1, no. 2, pp. 212-233.

12. Kent, Sherman (1965). *"Strategic Intelligence for US World Policy"*, Hamden: Archon Books.

13. Lowenthal, Mark M. (2003). *"Intelligence. From Secrets to Policy"*, 2nd ed. Washington D.C.: CQ Press. A Division of Congressional Quarterly Inc.

14. Lustgarten, Laurence & Leigh, Ian (1994). *"In from the Cold: National Security and Parliamentary Democracy"*, Oxford: Clarendon Press.

15. Mc Carthy, Shaun (1998). *"The Function of Intelligence in Crisis Mangement (U.S.A Ashgate)"*.

16. Ohno, Taichi (1988). *"Toyota Production System"*, Cambridge, Ma productivity Press.

17. Peterson, Marilyn (2005). *"Intelligence-Led Policing: The New Intelligence Architecture"*, US Department of Justice, Office of Justice Programs Bureau of Justice Assistance. Available

at: [www. Opj.usdoj.gov](http://www.Opj.usdoj.gov).

18. Washton, Bruce, Susan M, Washtonm Gerald W. Hopple (eds) (1990). *"United State Intelligence: An Encyclopedia"*, New York & London: Garland Publishing. INC.

